

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ دسمبر ۲۰۱۹

حمله "جواسیس تکنوکرات" بر "سیاهی لشکر اخوان"!

سه شنبه- ۱۹ قوس ۱۳۹۸- کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به جنگ نچندان نهران و پنهانی بین جواسیس تکنوکرات و اخوانی ها جلب می نمایم:

۱- طی روز های گذشته در چند بخش از تضادی که بین جواسیس تکنوکرات و اخوانی ها بر سر رسیدن به کرسی ریاست جمهوری و حفظ آن به وجود آمده یادآور شدم و در ضمن نگاشتم که امپریالیسم امریکا و بقیه اشغالگران علی رغم علاقه و عشقی که به تغییر دوران و رسانیدن جواسیس تکنوکرات به حاکمیت و دور انداختن اخوان دارند، به نسبت نداشتن پایه های مردمی جواسیس تکنوکرات، ناگزیر بوده اند تا حال جام زهر همکاری با اخوان را سرکشیده و من بعد هم سر بکشند.

۲- همان طوری که گفته اند، درک مشکل، نصف حل آن است، جواسیس تکنوکرات هم این نقطه ضعف شان را از همان نخستین لحظاتی که از طیارات "ب۵۲" پائین شده و به حاکمیت گماشته شدند، درک نموده بودند. به همین اساس در طی سالیان طولانی حاکمیت "حامدکرزی" و "غنی احمدزی"، تا حال کوشش به عمل آمده بود تا هر دو جانب یعنی جواسیس تکنوکرات و اخوان، مشترکاً هم در رکاب امپریالیسم قرار داشته باشند و هم عمل سرکوب مردم را زیر عنوان دولت سازی پیش ببرند. از دید جواسیس تکنوکرات، آخرین گام این همکاری، تشکیل "حکومت خیانت ملی" به رهبری نماینده جواسیس تکنوکرات "غنی احمدزی" و نماینده جناحی از اخوان "عبدالله عبدالمود" بود.

۳- خلاف پیشبینی ها و آمادگی ها غصب کامل قدرت از طرف جواسیس تکنوکرات که فکر می کردند در سال ۱۳۹۸ بر عمر همکاری های مشترک و به همین سان قدرت اخوان، نقطه پایان خواهند گذاشت، تحولاتی که در توازن قواء به وجود آمد، نه تنها اخوان را در صحنه نگهداشت، بلکه اشتهای سیری ناپذیر آنها در انحصار قدرت را نیز مجدداً تحریک نمود. عمده ترین بخش این تحولات، نخست پیوستن "گلبدین" به حاکمیت آنها از موضع مدعی حاکمیت بود و در ثانی عقبنشینی های امپریالیسم امریکا در قبال پاکستان و در نتیجه طالب بود. این تحول باعث گردید تا طالب و عقبه آن اخوان در کل، بیرق مبارزه علیه جواسیس تکنوکرات را افراشته، نگذارند تنها انتخاب امپریالیسم بمانند.

۴- در چنین حالتی، جواسیس تکنوکرات با برخورداری از تمام حمایت های مالی-تخنیکی امپریالیسم و با برخورداری از تمام امکانات دولتی که بر آن اعمال سلطه می نمایند، بدین فکر افتادند، تا ضمن پیشبردن سایر اشکال مبارزه علیه اخوان، بکشند تا آنها را از درون تجزیه و تخریب نموده، در حد توان پایه های توده ئی آنها را از نزد شان بریابند.

عملی که در واقعیت امر از دیر باز و از همان نخستین روز های تطبیق برنامه های کنفرانس "بن" آغاز یافته بود و اخوان نمی توانست تکامل آن را پیشبینی نماید.

یعنی جواسیس تکنوکرات که با پشتوانهٔ میلیارد ها دالر استخباراتی وارد افغانستان شده بودند، به هرجائی که گام می گذاشتند با بذل و بخشش دالر و با مساعد ساختن امکان فساد و سود بردن از آن، در صدد خریدن افراد، کادرها و حتا رهبری اخوان در تمام سطوح برآمدند. امری که از جذب و جمع صفوف آنها به نیروهای امنیتی شروع و گماشتن کادرها و رهبران شان به مقامات فاسد ساز، در عمل این روند را پیش بردند.

۵- وقتی در این اواخر و به دنبال تشدید تضاد بین این دو قشر ضد مردمی و خاین به کشور و خلق افغانستان، درگیری های شان گسترهٔ بیشتر یافت، جواسیس تکنوکرات تحت رهبری فعالانهٔ شخص "غنی احمدزی" و با "شاخی بادکردن دالر" به جنگ تمام نهاد های اخوانی رفته، تا این مرحله قادر شده است، بدنامترین و فاسد ترین افراد اخوانی از قماش "عطا نور" و "فاروق وردک" و ده ها تن دیگر را از درون اخوان بیرون نموده، ضمن تخریب و تجرید آنها، امکان انحصار قدرت را برای خود بیشتر فراهم نماید.

هموطنان گرامی!

آنچه در روزهای اخیر راجع به انشعاب "جمعیت اسلامی" شنیده بودید و امروز رسانه ها از انشعاب در "حزب اسلامی" مربوط "گلبدین" یادآوری نمودند همه، محصول تشدید جنگ و تضاد بین جواسیس تکنوکرات در یک طرف و اخوانیت در طرف دیگر می باشد. بسیار روشن باید گفت:

هرگاه اخوان در کل کمکی از بیرون از افغانستان به خصوص پاکستان، ایران، روسیه و چین دریافت ندارد و طالب نیز نتواند خود را از بند توطئه های چند لایهٔ امپریالیسم امریکا که به حمایت از جواسیس تکنوکرات عمل می نماید، برهاند، و کمترین ضعفی در تقابل با جواسیس تکنوکرات تحت رهبری "غنی احمدزی" از خود نشان دهند، اخوان در افغانستان چنان شکستی را متحمل خواهد گردید که تا سالیان زیادی نتواند کمرش راست نماید.

جای تأسف در این روند آن است که بدیل اخوان، نیروهای مردمی و ملی نیست بلکه قدرت به صورت انحصاری در دست جواسیس تکنوکرات قرار خواهد گرفت و آنها نیز در غیاب نیروهای ملی و انقلابی، وضعیت مستعمراتی کشور را تحکیم خواهند بخشید.

دیده شود چه می شود!